

بررسی کلی روایات حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

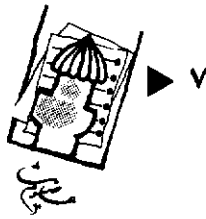
◀ محمدکاظم رحمان ستایش

حضرت عبدالعظیم بن عبداللّه بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) - که به عبدالعظیم حسنی شهرت یافته - از جمله عالمان و راویان بزرگ حدیث شمرده می شود که جایگاه والایی را در بین محدثان عصر خویش و عصر متأخر احراز کرده است؛ اساتید برجسته، و همچنین شاگردان بزرگ وی بهترین شاهد بر این مدعا هستند.

این جایگاه رفیع روایی موجب شده تا روایات ایشان مورد توجه مؤلفان جوامع حدیثی قرار گیرد، و حتی برخی از ایشان، روایات آن حضرت را گرد آورده، «مسند جامع روایات» ایشان را تألیف کرده اند.

این مقاله بر آن است تا جایگاه روایی آن حضرت را از جهات مختلف به خوانندگان بنمایاند و محتوای روایات آن حضرت را به اجمال بررسی کند. لذا مباحث این مقاله در چهار فصل پی گرفته شود:

فصل اول. حضرت عبدالعظیم در منابع رجالی،



- فصل دوم. طبقه روایی حضرت عبدالعظیم ،
- فصل سوم. روایات حضرت عبدالعظیم ،
- فصل چهارم. مسانید حضرت عبدالعظیم .

فصل اول. حضرت عبدالعظیم در منابع رجالی

تمامی منابع و مصادر رجالی شیعه به شرح حال حضرت عبدالعظیم پرداخته اند و هر یک به گونه ای، هر یک نکاتی از زندگی و شخصیت ایشان را ذکر کرده اند. ما در این فصل در ضمن چند گفتار، نسب، مدح، توثیق و تالیفات ایشان را ذکر خواهیم کرد:

گفتار اول. نسب حضرت عبدالعظیم

نجاشی ضمن نام بردن از آن حضرت و شرح سفر ایشان به ری و ماجرای فوت ایشان می گوید:

هنگامی که جنازه ایشان را برای غسل برهنه می کردند، در جیب لباس ایشان نوشته ای یافت شد که در آن نسب آن حضرت این گونه ذکر شده بود، من ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب هستم.^۱

براساس این نسخه از رجال النجاشی، شش نفر در نسب آن حضرت، واسطه بین وی و امام علی (ع) هستند، لکن در نسخه های معتبر از رجال النجاشی^۲ و همچنین در دیگر منابع رجالی شیعی،^۳ بین زید و حسن بن علی شخص دیگری واسطه نیست. بنابراین، پدر و اجداد آن حضرت تا امام علی (ع) بالغ بر پنج نفر هستند

۱. رجال النجاشی، ص ۲۴۸، رقم ۶۵۳.

۲. همان.

۳. ر.ک: نقد الرجال، مجمع الرجال، منهج المقال.



که عبارت اند از:

۱. امام حسن بن علی بن ابی طالب (ع) امام دوم و سرسلسله سادات حسنی

۲. زید بن حسن

وی بزرگترین فرزند امام مجتبی (ع) است که متصدی و متولی اوقاف رسول خدا (ص)، بزرگوار، نیکوکار و دارای اخلاق نیک بوده است. برخی از شاعران او را مدح گفته و مردمان به وی روی می آورده اند.^۴

از آنجا که زید بن حسن، متولی اوقاف رسول خدا (ص) و اوقاف امیرالمؤمنین (ع) بوده، در طول تاریخ زندگی اش با حاکمان عصر خویش مناسبات و مراوده هایی داشته که در کتابهای تاریخ مسطور است.^۵

وی از ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری و امام حسن بن علی (ع) روایت کرده است^۶ و در محلی به نام حاجر، در شش منزلی مدینه مدفون شده است.^۷

۳. حسن بن زید

وی تنها فرزند ذکور زید و از بزرگان عصر خودش به شمار می رفته، و به بخشش و کرم و سخاوت در بین بنی هاشم شهرت داشته است.

منصور عباسی او را به ولایت مدینه گمارد و در زمان دیگر خلفای عباسی، همچون مهدی و هادی و هارون الرشید نیز زنده بود و به سال ۱۶۸ ق، وفات یافت.

۴. علی بن حسن بن زید

علی، ملقب به «سدید»، مادرش کنیز بود. وی با جماعتی از سادات حسنی علیه خلیفه عباسی شورید که با شکست این قیام، به دستور ابوجعفر منصور عباسی دستگیر

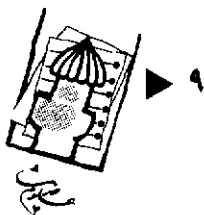
۴. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱.

۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۷، رقم ۱۸۶ الارشاد، ج ۲، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۴،

ص ۱۶۳، ح ۲.

۶. تاریخ دمشق، ج ۵.

۷. سر السلسله العلویه، ص ۲۰ عمدة الطالب، ص ۶۹.



و به بغداد منتقل شد و پس از مدتی در زندان وفات یافت.^۸

۵. عبدالله بن علی

وی در زمان حیات جدش، حسن بن زید متولد شد و چون قبل از تولد وی، پدرش در زندان درگذشت، کفالت او به عهده جدش گذاشته شد. او را عبدالله قافه نیز گفته اند.^۹

از عبدالله، به نقلی، پنج پسر^{۱۰} و به نقل دیگر، نه پسر^{۱۱} بر جای ماند که یکی از ایشان حضرت عبدالعظیم بود.

گفتار دوم. توصیف حال رجالی حضرت عبدالعظیم

اینک که با آن حضرت و نسب وی آشنا شدیم، وصف رجالی ایشان را در مصادر رجالی بررسی می‌کنیم. در تمامی منابع رجالی شیعه، حضرت عبدالعظیم مدح و ستایش شده است.

از جمله:

۱. نجاشی از غضایری، به سند معتبر، جریان ورود حضرت را به ری از احمد بن محمد بن خالد برقی، نقل کرده و در ضمن آن، عبادت ایشان و نیز رؤیایی را که برخی درباره آن حضرت دیده بودند- روایت نموده است. تمامی این گفتار شاهدهی بر مدح و ستایش آن حضرت است.^{۱۲}

۲. شیخ طوسی در کتاب رجال خود در ضمن اصحاب امام هادی (ع) می‌گوید:

۸. عمدة الطالب، ص ۷۰ و ۷۱. جریان تفصیلی این قیام در کتب تاریخ ذکر شده و در کتاب کافی نیز

روایتی در همین زمینه نقل شده است. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۶۶.

۹. علت این لقب گذاری، إلحاق وی به پدرش از سوی قیافه شناس بود. ر.ک عمدة الطالب، ص ۹۳.

۱۰. عمدة الطالب، ص ۹۴.

۱۱. منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۶۶.

۱۲. رجال النجاشی، ص ۳۴۸، رقم ۶۵۳.



عبدالعظیم بن عبداللہ الحسنی - رضی اللہ عنہ۔^{۱۳}

و همین عبارت را در ضمن اصحاب امام عسکری (ع) هم آورده است.^{۱۴} و در مجمع الرجال به نقل از رجال طوسی اضافه می کند که «یروی عنهما».^{۱۵}

۳. شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه، ضمن ذکر سندش به حضرت عبدالعظیم، درباره ایشان می گوید: و کان مرضیاً.^{۱۶}

همچنین در کتاب صوم از کتاب من لا یحضره الفقیه نیز همین تعبیر را درباره وی به کار برده است.^{۱۷}

در برخی از روایات حضرت عبدالعظیم در کتب شیخ صدوق در تعبیر واسطه بین عناوین اسناد، به صورت جمله معترضه، تعبیر «کان مرضیاً» نقل شده که به عقیده نگارنده، این موارد، تصحیف «کان مرضیاً» است. و شاهد بر این مدعا آنکه، اولاً، این نوع تعبیر در کتب شیخ صدوق دیده می شود. ثانیاً، تعبیر «کان مرضیاً» و گزارش از بیماری راوی، امری متعارف در بین اسناد نیست؛ لذا با توجه به این دو قرینه، این موارد را نیز تأکید بر مرضی بودن حضرت عبدالعظیم می دانیم.^{۱۸}

مرحوم مجلسی در شرح این عبارت می گوید:

مراد از این تعبیر، صحت دین وی است و اینکه اصحاب به حدیث وی عمل

می کرده اند و از وی راضی بوده اند.^{۱۹}

۴. علامه حلی در شرح حال وی می گوید:

کان عابداً ورعاً، له حکایة تدل علی حسن حاله، ذکرناها فی کتابنا الکبیر؛

۱۳. رجال الطوسی، ص ۳۸۷، رقم ۵۷۰۶.

۱۴. همان، ص ۴۰۱، رقم ۵۸۷۵.

۱۵. مجمع الرجال، ج ۴، ص ۹۷.

۱۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۸.

۱۷. همان، ج ۲، ص ۸۰، رقم ۳۳۵.

۱۸. مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۰، ح ۹۵ و ص ۲۵۸، ح ۱۱۴.

۱۹. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۶۵.



وی عابد و متقی بود و برای وی حکایتی است که دلالت بر نیکویی حال وی دارد. ما این حکایت را در کتاب بزرگمان ذکر کردیم.^{۲۰}

به نظر می‌رسد، مراد وی از حکایت فوق، مطالب منقول از رجال النجاشی و حدیث عرض دین باشد؛ همچنان که مراد وی از کتاب بزرگ، کتاب کشف المقال فی احوال الرجال است، که مفقود شده است.

۵. امام صادق(ع) در روایت عرض دین از حضرت عبدالعظیم، پس از اتمام کلام، فرمودند: یا اباالقاسم، انت ولینا حقاً.^{۲۱}

۶. در روایتی که صدوق در ثواب الاعمال با سند نقل می‌کند - که زیارت حضرت عبدالعظیم همچون زیارت امام حسین(ع) در ثواب شمرده شده، رفعت مرتبه و جایگاه حضرت عبدالعظیم و اعتماد به وی روشن می‌شود. روایت این گونه است:

حدثنی علی بن احمد، قال: حدثنی حمزة بن القاسم العلوی - رحمه الله - قال: حدثنی محمد بن یحیی العطار عن دخل علی ابی الحسن علی بن محمد الهادی(ع)، من اهل الری، قال: دخلت علی ابی الحسن العسکری(ع)، فقال: این کنت؟ قلت: زرت الحسین(ع). قال: اما انک لو زرت قبر عبدالعظیم عندکم، کنت کمن زار الحسین بن علی(ع)؛

علی بن احمد برای من حدیث کرد. او گفت: حمزة بن قاسم علوی - خدایش پیامرزد - مرا حدیث کرد. او گفت محمد بن یحیی عطار نقل کرد برای من، از کسی از اهل ری که بر ابوالحسن علی بن محمد هادی(ع) وارد شده بود. او گفت: بر ابوالحسن عسکری(ع) واردم، پس حضرت فرمود: کجا بودی؟ گفتم: حسین بن علی را زیارت کردم. حضرت فرمود: اما اگر تو قبر عبدالعظیم را - که نزد شماست - زیارت می‌کردی، مثل کسی بودی که حسین بن علی(ع) را زیارت کرده است.^{۲۲}

۲۰. خلاصة الاقوال، ص ۲۲۶، رقم ۷۵۵.

۲۱. التوحید، ص ۸۱، ح ۳۱.

۲۲. ثواب الاعمال، ص ۱۲۴، ح ۱.



از آنجا که این روایت، مدح بسیار قوی ای درباره حضرت عبدالعظیم است، مستند برخی در توثیق و تعدیل آن حضرت شمرده شده است؛ اما به دلیل مجهول بودن راوی از امام عسکری (ع) ضعیف است. همچنین این روایت را با گفته شیخ طوسی در رجالش - که حضرت عبدالعظیم را از اصحاب امام عسکری (ع) بر شمرده - منافی دانسته اند.^{۲۳} با توجه به مصادر روایی و مرویات حضرت عبدالعظیم، هیچ دلیلی بر مصاحبت آن حضرت با امام عسکری (ع) وجود ندارد. و احتمالاً اشتباه از نسخه های رجال الطوسی یا خود شیخ طوسی بوده است، که ان شاء الله در فصل دوم این مقاله تحقیق خواهد شد. بنابراین، اشکال تنافی و تناقض جا ندارد.

۷. محدث نوری از رساله صاحب بن عباد - که در شرح حال حضرت عبدالعظیم نگاشته شده - و به خط برخی از بنی بابویه و به سال ۵۱۶ ق، نوشته شده نقل کرده که:

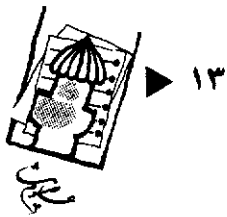
روی ابوتراب الرویانی، قال: سمعت ابا حماد الرازی یقول: دخلت علی علی بن محمد (ع) بسرّ من رای، فسألته عن اشیاء من الحلال و الحرام، فاجابنی فیها، فلما ودّعته، قال لی: یا ابا حماد، إذا أشکل علیک شیء من أمر دینک بناحیتک، فسل عنه عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی و اقراه منی السلام؛ ابوتراب رویانی روایت می کند که شنیدم ابوحماد رازی می گفت: بر امام هادی (ع) در سامرا وارد شدم و مطالبی از حلال و حرام از ایشان پرسیدم که پاسخ دادند. هنگامی که خدا حافظی کردم، آن حضرت به من گفت: ای ابوحماد، هنگامی که چیزی از امور دینت در منطقه شما برای تو مشکل شد، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و از سوی من به وی سلام برسان.^{۲۴}

این روایت مرسل و ضعیف است.

۸. روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که آن امام، پیام خودشان را به شیعیان به

۲۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۸.

۲۴. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۶.



۱۳

وسيله حضرت عبدالعظيم حسنى ابلاغ فرمودند.^{۲۵}

امام در اين روايت، به شيعيان رسانده اند و توصيه هاى نيز به ايشان کرده اند. اگرچه که در نقل اين روايت از امام رضا(ع) ظاهراً اشتباهى صورت گرفته - که در فصل بعد روشن خواهد شد -، اما به هر حال، صدور اين پيام و مأموريت ابلاغ آن از سوى معصوم، خود گواه وثاقت حضرت عبدالعظيم(ع) است.

از مجموع اين شواهد، به خصوص جريانى که نجاشى و ديگران درباره حضرت عبدالعظيم از برقى نقل کرده اند، و نيز تعبير صدوق که مى گويد: «کان مرضياً»، مى توان وثاقت آن حضرت را احراز کرد؛ چه آنکه اين تعبير ظاهراً از آيه شريفه: «ممن ترضون من الشهداء»^{۲۶} گرفته شده است. در تفسير امام عسکرى(ع) از امام على(ع) در تفسير اين آيه نقل شده است که مراد كسانى هستند که نسبت به دين و امانت و صلاحيت، و عفاف و دقت در آنچه که شهادت مى دهند و تشخيص، مورد رضايت باشند.^{۲۷} با توجه به اين تفسير، از مرضى بودن، وثاقت هم قابل احراز است.

و شيخ عبدالنبي جزايرى نيز در كتاب حاوى الاقوال خویش، حضرت عبدالعظيم را در بخش صحاح بر شمرده است.^{۲۸}

گذشته از آنکه مجموعه روايات حضرت عبدالعظيم خود شهادت بر معتمد بودن و وثوق ائمه به وي مى دهند؛ چه آنکه نوع روايات آن حضرت در عقايد مهم و مباحث دقيق شيعى است.

با توجه به اين نکته، محقق رجالى معاصر در معجم رجال الحديث پس از نقد روايات مورد استناد در مدح آن حضرت، تصريح مى کند که:

آنچه مشكل را آسان مى کند، اين است که جلالت و بزرگى مقام حضرت

۲۵. الاختصاص، ص ۲۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۳.

۲۶. سوره بقره، آيه ۲۸۲.

۲۷. تفسير امام عسکرى، ص ۶۷۲.

۲۸. حاوى الاقوال، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۵، رقم ۵۰۶.



عبدالعظیم و ایمان و تقوای او امری نیست که اثبات آن نیاز به استشهاد به این روایات ضعیف داشته باشد.^{۲۹}

همچنین شیخ عبدالله مامقانی در تنقیح المقال تصریح می کند که :

علت اینکه محدثان و فقها به توثیق وی تصریح نکرده اند، از این روست که جلالت و بزرگواری وی مانع از این است که تعبیر «ثقه» را درباره وی ذکر کنند.^{۳۰}

گفتار سوم. تالیفات حضرت عبدالعظیم

مرحوم نجاشی در کتاب رجالش - که در موضوع فهرست نام مؤلفان شیعه تالیف شده - از حضرت عبدالعظیم حسنی نام برده و کتاب خطب امیرالمؤمنین (ع) را به وی نسبت داده است .

وی در پایان شرح حال وی نیز سند خودش را به روایات آن حضرت، از طریق استادش، ابن نوح، به احمد بن محمد بن خالد و او به حضرت عبدالعظیم می رساند.^{۳۱} شیخ طوسی نیز - که موضوع کتاب فهرستش معرفی مؤلفان و مصنفان شیعه است - از آن حضرت نام برده و می گوید: «له کتاب» و سپس سند خودش را به احمد بن ابی عبدالله برقی می رساند که او از حضرت عبدالعظیم نقل حدیث می کند.^{۳۲} صاحب بن عباد در رساله ای که در زمینه احوال حضرت عبدالعظیم تالیف کرده می نویسد:

له کتاب یسمی کتاب یوم و لیلۃ.^{۳۳}

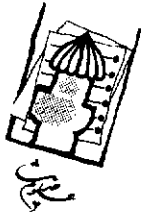
۲۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹.

۳۰. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳۱. رجال النجاشی، ص ۲۴۷ و ۲۴۸، رقم ۶۵۳.

۳۲. الفهرست، ص ۳۴۷، رقم ۵۴۹.

۳۳. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۴.



این عنوان، غالباً برای کتابهایی انتخاب می شود که اعمال عبادی بندگان در شبانه روز را بیان می کند و گویای محتوای آن است.

در رساله صاحب بن عباد سندی برای این کتاب - که انتساب اسمی و محتوایی کتاب را به حضرت عبدالعظیم اثبات کند - وجود ندارد؛ همچنان که آثار قطعی قابل توجه درباره این موضوع هم در روایات موجود از حضرت عبدالعظیم دیده نمی شود. همچنین، کتاب اول نیز که شیخ طوسی عنوان آن را ذکر نکرده و مرحوم نجاشی نام آن را هم تصریح کرده، موجود نیست؛ اما با توجه به اسناد ایشان به حضرت عبدالعظیم، انتساب کتاب به ایشان ثابت است.

همچنین در روایات موجود آن حضرت، دو روایت به سند همگون از خطبه های علی (ع) نقل شده که یکی در امالی شیخ صدوق و دیگری در امالی شیخ طوسی نقل شده است.

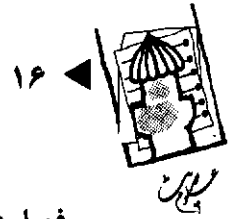
در روایتی که در امالی شیخ صدوق آمده، جریان خانه خریدن شریح قاضی به هشتاد دینار نقل شده که پس از آن، امیرالمؤمنین او را خواسته، ضمن مؤاخذه از خرید خانه گران، وی را موعظه کردند و از دنیا طلبی بازداشتند.^{۳۴} این روایت در نامه های نهج البلاغه نیز موجود است.^{۳۵}

اما روایت دیگر که در امالی شیخ طوسی آمده، در نهج البلاغه موجود نیست. آن روایت نیز به نقل از شریح قاضی است که موعظه امام علی (ع) برای اصحابشان درباره یاد آخرت و دوری از مال پرستی و بیان حالات انسان پس از مرگ است.^{۳۶} بنابراین، انتساب کتاب خطب امیرالمؤمنین (ع) به آن حضرت، مستند و قابل اثبات است.

۳۴. الامالی، صدوق، ص ۳۸۸.

۳۵. نهج البلاغه، نامه ۳، صبحی صالح.

۳۶. الامالی، طوسی، ص ۶۵۲.



فصل دوم. طبقه روایی حضرت عبدالعظیم

شیخ طوسی در کتاب رجال خود حضرت عبدالعظیم را در زمره اصحاب امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) برشمرده است؛^{۳۷} اما برخی به استناد روایتی - که در فصل قبل از ثواب الاعمال نقل شد، مدعی شده اند که چون امام هادی در آن روایت به راوی می گوید: ثواب زیارت قبر عبدالعظیم همچون زیارت حسین بن علی (ع) است، حضرت عبدالعظیم پیش از عصر امام عسکری (ع) فوت کرده و لذا از اصحاب امام عسکری (ع) نبوده است.^{۳۸}

همچنین حضرت عبدالعظیم هیچ گونه روایتی از امام عسکری (ع) نقل نکرده است و این امر، خود شاهد بر عدم معاصرت وی با آن امام است. بنابراین، برشمردن آن حضرت از اصحاب امام عسکری (ع) نمی تواند صحیح باشد. این اشتباه یا ناشی از نسخه های خطی و ناسخان آنها و یا ناشی از اشتباه خود شیخ است.

از سوی دیگر، به استناد روایات موجود و نیز تصریح بسیاری از رجالیان، حضرت عبدالعظیم از اصحاب امام جواد بوده است؛ اما در هیچ یک از مصادر رجالی، آن حضرت را از اصحاب امام رضا ندانسته اند. تنها در کتاب الاختصاص، منسوب به شیخ مفید، دو روایت به نقل از امام رضا (ع) آمده است.

در روایت اول، به صورت مرسل، نقل می کند که:

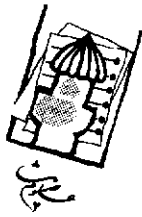
روي عن عبدالمعظم، عن ابي الحسن الرضا(ع) قال: يا عبدالمعظم،
أبلغ عتّى أوليائي السلام و قل لهم ان لا يجعلوا للشيطان على انفسهم
سبيلاً...^{۳۹}

از این روایت استفاده شده که حضرت عبدالعظیم، نه تنها عصر امام رضا (ع) را

۳۷. رجال الطوسی، ص ۳۸۷، رقم ۵۷۰۶ و ص ۴۰۱، رقم ۵۸۷۵.

۳۸. عبدالعظیم الحسنی حیات و مسنده، ص ۳۷.

۳۹. الاختصاص، ص ۲۴۷؛ مسند حضرت عبدالعظیم، ص ۱۸۳ و ۱۸۴، ح ۵۰.



درک کرده، بلکه از جمله کسانی بوده که مورد اعتماد و دارای موقعیت نزد امام بوده است؛ چه آنکه امام او را مأمور ابلاغ مطالبی به اولیاء و دوستانشان کرده اند. برخی برای رفع استبعاد از مصاحبت آن حضرت با امام رضا(ع) به این نکته هم استناد کرده اند که هشام بن حکم (م ۱۹۸ ق) از جمله مشایخ حضرت عبدالعظیم بوده و روایاتی را از وی نقل کرده است. با توجه به آنکه وفات امام رضا(ع) در سال ۲۰۳ ق، اتفاق افتاده، پس حضرت عبدالعظیم به طریق اولی می‌توانسته از آن امام نقل حدیث کرده باشد.^{۴۰}

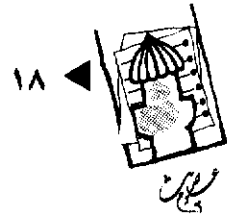
استدلال فوق تنها امکان نقل حدیث از امام رضا(ع) را اثبات می‌کند و وقوع آن را به شکل قطعی اثبات نمی‌کند، همچنان که منحصر بودن روایت از امام رضا(ع) در یک حدیث و شواهدی دیگر، موجب آن شده که این روایت را تحریف شده بدانند؛ چه آنکه حضرت عبدالعظیم در روایات بسیاری، از امام هادی(ع) با کنیه ابوالحسن نقل حدیث کرده و در این روایت نیز وی با این کنیه نقل حدیث کرده و احتمالاً کاتبان حدیث اشتباهاً کنیه ابوالحسن را بر امام رضا(ع) تطبیق کرده اند و نام ایشان را در برابر این کنیه افزوده اند.^{۴۱}

از جمله قراینی که می‌تواند شاهی بر این مطلب باشد، آنکه از امام هادی(ع) درباره آن حضرت در حدیث عرض دین نقل شده که فرمود: «انت ولینا حقاً؛ تو به حقیقت دوستدار ما هستی».^{۴۲} و به همین جهت، امام پیامشان را به اولیای خودشان از طریق حضرت عبدالعظیم - که خود از اولیای امام است - ابلاغ کرده اند. اما روایت دیگری نیز به صورت مکاتبه از امام رضا(ع) نقل شده که در موضوع ایمان حضرت ابوطالب است در آن روایت چنین آمده است:

۴۰. عبدالعظیم الحسنی حیات و مستند، ص ۳۶.

۴۱. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۹۳.

۴۲. الامالی، صدوق، ص ۲۸۰ و ۲۸۳؛ صفات الشیمة، ص ۴۸؛ التوحید، ص ۸۱؛ کمال الدین، ص ۳۷۹.



إنَّ عبدَ العظیم بن عبد اللہ العلوی کان مریضاً، فکتب إلى ابی الحسن الرضا(ع): عرفنی یا بن رسول اللہ، عن الخیر المروی أن اباطالب فی ضحضاح من نار یغلی منه دماغه. فکتب إليه الرضا(ع): بسم اللہ الرحمن الرحیم، اما بعد، فانک إن شککت فی ایمان ابی طالب، کان مصیرک إلى النار؛

عبدالعظیم بن عبدالله علوی مریض بود، پس نامه ای به ابوالحسن رضا(ع) نوشت که: ای فرزند رسول خدا(ص)، مرا از خبری که نقل شده که ابوطالب در سردابی از آتش به سر می برد که مغز سرش از گرمای آن می جوشد، آگاه سازید. امام در جواب وی نوشتند: به نام خداوند بخشنده مهربان، پس از حمد و ثنای خداوند، چنانچه در ایمان ابوطالب شک کنی، سرانجام تو جهنم خواهد بود. ۲۳

اما این حدیث نیز، همچون حدیث قبل، ظاهراً تحریف شده است. شاهد بر این مدعا، گذشته از قراین سابق، آنکه مصدر این روایت، کتابی غیر مشهور بوده و احتمال وقوع تحریف در آن بسیار قوی تر از کتب مشهور است.

بنابراین، آنچه که نزد محدثان و رجالیان به عنوان امری مسلم شمرده شده، آنکه حضرت عبدالعظیم از اصحاب امام جواد(ع) و امام هادی(ع) بوده است. بر این اساس، روایات از امام رضا(ع) تحریف شده و کلام شیخ طوسی - که ایشان را از اصحاب امام عسکری(ع) قرار داده - بی اساس است.

با توجه به نکات گذشته، روشن می شود که کلام شهید ثانی در حاشیه خلاصه الاقوال - که امام رضا(ع) فرموده اند: «من زار قبره، وجبت له الجنة؛ کسی که قبر عبدالعظیم را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود»^{۲۴} و از برخی از نسب شناسان نقل کرده، اشتباه و غیر قابل استناد است؛ چه آنکه روایات متعدد از امام جواد(ع) و امام

۲۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۰ به نقل از کتاب الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب، تألیف شمس الدین ابوعلی فخار بن محمد موسوی.

۲۴. الرسائل، شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶.



هادی (ع) شاهد بر عدم فوت حضرت عبدالعظیم در عصر امام رضا (ع) است. بلکه چنان که گذشت - اصولاً روایت حضرت عبدالعظیم از امام رضا (ع) ثابت نیست.

مشایخ حضرت عبدالعظیم (ع)

همچنان که بیان شد، حضرت عبدالعظیم از دو امام، نقل حدیث مستقیم دارد و نقل روایت وی از امام رضا (ع) مشکوک است. اینک تعبیراتی را که در روایات حضرت عبدالعظیم از ائمه و دیگر اساتیدش دیده می شود، به جهت شناخت شیوه نام بردن از ایشان، براساس مسند روایاتشان، گزارش می نماییم:

محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (ع) (سه مورد) = محمد بن علی بن موسی = محمد بن علی (دو مورد) = محمد بن علی رضا (ع) (سه مورد) = ابوجعفر محمد بن علی بن موسی (دو مورد) = ابوجعفر محمد بن علی رضا (ع) (۵ مورد) = ابوجعفر محمد بن علی (۵ مورد) = ابوجعفر الثانی (۴ مورد) = ابوجعفر (سه مورد).

علی بن محمد بن علی رضا (ع) = علی بن محمد بن علی بن موسی (دو مورد) = علی بن محمد العسکری = ابوالحسن علی بن محمد العسکری (۴ مورد) = ابوالحسن العسکری (۴ مورد) = ابوالحسن الثالث (۵ مورد) = ابوالحسن.

ابوالحسن رضا (ع) (دو مورد) (چنان که قبلاً گذشت، این دو مورد ظاهراً تصحیف بوده و مراد ابوالحسن سوم یعنی امام هادی (ع) است).
همچنین از این محدثان نیز ایشان نقل حدیث کرده است:

ابراهیم بن ابی محمود (۶ مورد)، احمد بن عیسی العلوی، اسحاق الناصح مولی جعفر، حرب، الحسن بن الحسین العرنی (۴ مورد)، الحسن بن الحسین العمری (ظاهراً تصحیف العرنی باشد)، الحسن بن الحسین، الحسن بن الحکم النخعی (۲ مورد)، الحسن بن عبدالله بن یونس بن ظبیان، الحسن بن محبوب (سه مورد)، الحسین بن علی، الحسین بن المیاح، سلیمان بن سفیان، سلیمان بن جعفر الجعفری، سلیمان



بن حفص المروزی، سهل بن سعد، صفوان بن یحیی، عبدالسلام بن صالح الهروی، علی بن اسباط (هشت مورد)، علی بن الحسن بن زید بن علی بن ابی طالب، مالک بن عامر (دو مورد)، محمد بن ابی عمیر، محمد بن الفضیل (دو مورد)، محمد بن علی بن محمد بن کثیر، محمد بن عمر بن یزید، محمد بن عمر (دو مورد)، محمود بن ابی البلاد، موسی بن محمد (دو مورد)، موسی بن محمد عجلی، هشام بن الحکم، یحیی بن سالم، ابن ابی عمیر (سه مورد)، ابن اذنیه، ابن محبوب، ابیه.

شاگردان حضرت عبدالعظیم (ع)

ابراهیم بن علی، ابراهیم بن هاشم، احمد (چهار مورد)، احمد بن ابی عبدالله البرقی (۶ مورد)، احمد بن ابی عبدالله (سه مورد)، احمد بن الحسن، احمد بن محمد بن ابی عبدالله، احمد بن محمد بن خالد البرقی (دو مورد)، احمد بن محمد (دو مورد)، احمد بن محمد بن خالد (سه مورد)، احمد بن مهران (۱۲ مورد)، البرقی (چهار مورد)، بعض اصحابنا، بکر بن صالح الضبی (سه مورد)، حسین بن ابراهیم العلوی (سه مورد)، حمزة بن القاسم العلوی، سهل بن زیاد (پنج مورد)، سهل بن زیاد الادمی (۱۶ مورد)، سهل بن زیاد آدمی الرازی ابوسعید، سهل بن جمهور (سه مورد)، سهل (هفت مورد)، صالح بن فیض عجلی ساوی (دو مورد)، عبدالله بن الحسین العلوی، عبدالله بن محمد العجلی، عبیدالله بن موسی، عبیدالله بن موسی الرویانی (سه مورد)، ابوتراب عبیدالله بن موسی الرویانی (۵ مورد)، ابوتراب محمد بن عبدالله بن موسی الرویانی (ظاهراً تحریف و تصحیف شده باشد) عبدالله بن موسی (ظاهراً تصحیف شده باشد)، ابوتراب عبدالله بن موسی الرویانی (ظاهراً تصحیف شده باشد) محمد بن خالد (دو مورد)، محمد بن خالد البرقی، محمد العلوی العریضی، نوفلی.

تاکید بر این نکته لازم است که گزارش اساتید و شاگردان حضرت عبدالعظیم (ع) براساس مجموعه روایات موجود در مسند عبدالعظیم حسنی، تالیف آقای عزیزالله عطاردی - علیرضا هزار، ارائه شده و وحدت برخی از روایات و یا تتبع جدید، مورد نظر نبوده است.



فصل سوم. روایات حضرت عبدالعظیم

روایات حضرت عبدالعظیم (ع) از نظر شناخت محتوا و مضمون مورد توجه ایشان و نیز آنکه ائمه اطهار ایشان را امین و مورد اعتماد در آن مطالب دانسته اند، حایز اهمیت است. شناخت نیازهای فکری آن عصر نیز از بررسی این روایات ممکن خواهد شد. همچنان که شیوه‌های تحمل حدیث و نقل آن از سوی حضرت عبدالعظیم هم در بازشناسی شخصیت روایی آن حضرت بسیار مؤثر و مهم است. لذا این دو بحث مهم را در دو گفتار پی می‌گیریم:

گفتار اول. بررسی موضوعی روایات حضرت عبدالعظیم (ع)

موضوعات مهمی که در روایات آن حضرت به صورت برجسته‌ای چهره‌نمایی می‌کند، عبارت‌اند از:

اول. خدا و صفات وی

پنج حدیث در حوزه صفات الهی از آن حضرت روایت شده، که مهم‌ترین آنها در حدیث عرض دین متبلور است. در ابتدای عقاید حضرت عبدالعظیم، آن حضرت، عقیده به الوهیت و توحید خدا، و نفی تشبیه و عدم جسم و صورت و عرض و جوهر بودن آن ذات الهی را اعتراف کرده و خداوند را خالق اجسام و صورت دهنده صورتها و خالق همه جوهرها و عرضها دانسته و خداوند را پروردگار هر چیز و مالک و خالق و ایجاد کننده همه چیز دانسته است.^{۴۵}

این تعبیرات را باید بیانگر توحید ناب - که آموزه مدرسه اهل بیت است - دانست. این مضمون و خلاصه‌ای برای خطبه مشهور امیرالمؤمنین (ع) است که تکرار و تأکید بر

۴۵. الامالی، صدوق، ص ۴۱۹؛ روضة الواعظین، ص ۳۱؛ کفایة الاثر، ص ۲۸۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۹ و ۲۲۰، ح ۸۳.



آن در آموزه های اکثر ائمه نیز یافت می شود.

موضوع دوم در این باب، نقد عقیده اهل سنت در نزول خداوند در هر شب جمعه به آسمان دنیاست.

ایشان در روایتی که با واسطه از امام رضا(ع) نقل کرده اند، ضمن انکار این موضوع توسط آن امام و تحریف شمردن آن، حقیقت مطلب را نزول ملائکه در شب جمعه بیان کرده اند.^{۴۶}

این تحریف از آنجا مشهود است که لازمه روایات اهل سنت، جسم بودن خداوند است، در حالی که آنچه از پیامبر(ص) و ائمه اطهار منقول است، نزول ملائکه الهی به آسمان دنیاست.

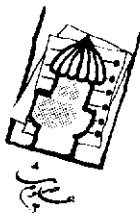
موضوع سوم درباره عقیده مجبّره و کسانی است که قایل به جبر خداوند و مجبور بودن بندگان خداوند در اعمالشان است. حضرت عبدالعظیم به واسطه از امام رضا(ع) و ایشان از امام صادق(ع) در این باب نقل می کنند که هر کس قایل به اجبار بندگان بر گناه از سوی خداوند باشد و نیز معتقد به اجبار اعمال غیر مقدور باشد، زکات دادن به وی جایز نیست یا خوردن گوشت حیوانی را که وی ذبح کرده جایز نیست یا شهادت وی مقبول نیست یا اقتدا به او در نماز مجاز نیست. این تعبیرات، ظهور در فسق و گناه ظهور در عدم اسلام چنین شخصی دارد.^{۴۷}

موضوع چهارم، تبیین موارد قضا و قدر الهی است که آن حضرت با واسطه از امام رضا(ع) نقل کرده که موارد آن در هشت چیز است: خواب و بیداری، قدرت و ضعف، سلامتی و بیماری، مرگ و زندگی.^{۴۸}

۴۶. التوحید، ص ۱۷۶؛ الامالی، صدوق، ص ۴۹۵؛ عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۱۱۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۱؛ مستند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۰۰، ح ۶۷.

۴۷. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۲ و ج ۹، ص ۴۱۷ و ج ۲۴، ص ۶۹؛ الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی حیات و مستنده، ص ۵۴.

۴۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۴، مستند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۷۲، ح ۳۸.



چنان که ملاحظه شد، سه موضوع اخیر از جمله موارد اختلاف اشاعره و معتزله است که در عصر حیات حضرت عبدالعظیم و ائمه آن عصر از جمله مباحث جنجال برانگیز محسوب می شده و حتی خلفای عباسی هم در این موضوعات به صورت جدی داخل شده و موضع گیری کرده بودند. لذا آن حضرت نیز در نقل این گونه روایاتی که مباحث کلامی آن عصر را مورد بحث قرار داده، اهتمام داشته اند.

موضوع پنجم، معنای تسبیح خداوند است که امام صادق (ع) آن را به تنزیه و پاک شمردن خداوند تفسیر کرده اند.^{۴۹}

دوم. نبوت

حضرت عبدالعظیم در حدیث مهم عرض دین به صراحت به نبوت پیامبر (ص) و خاتمیت و کمال شریعت وی اذعان کرده است^{۵۰}، همچنان که سیره نشستن پیامبر را در حدیثی مرفوع به سه گونه مختلف تشریح می کند. در آن روایت، چهارگوش [چهارزانو] نشستن آن حضرت - که شاید متکبرانه به نظر برسد - نفی شده است.^{۵۱}

همچنان که اصول استناد به سنت پیامبر را در روایتی کوتاه و پرمغز تبیین می کند که آن حضرت از امام جواد (ع) و ایشان به سند تفصیلی از پدر و اجدادشان از پیامبر نقل کرده اند که تمسک به سنتی که از ایشان در واجبات وارد شده، هدایت و ترک آن، ضلالت را در پی دارد و تمسک به سنتی که در غیر واجبات باشد، فضیلت و ترک آن، خطا و اشتباه است.^{۵۲}

حضرت عبدالعظیم در نامه ای از امام جواد (ع) درباره ذی الکفل، نام وی، و

۴۹. الکافی، ج ۱، ص ۱۱۸؛ التوحید، ص ۳۱۲؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۲۵ و ۱۲۶، ح ۲.
۵۰. الامالی، صدوق، ص ۴۱۹؛ روضة الواعظین، ص ۳۱؛ کفایة الاثر، ص ۲۸۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۱ و ۲۲۲، ح ۸۳.
۵۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۱؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، ح ۶۳.
۵۲. الامالی، طوسی، ص ۵۸۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۵۸، ح ۳۰.



رسول بودن وی پر سید. آن حضرت در جواب، تعداد انبیا را صد و بیست هزار نفر دانستند که ۳۱۳ نفر از آنها رسول هم بودند و ذی الکفل نیز چنین بود و نام و زمان و معجزه وی را نیز برشمردند.^{۵۳} همچنین ایشان روایتی را به نقل از امام هادی (ع) در گفت و گو حضرت نوح با فرزندانش نقل کرده که در مقام موعظه بندگان در احترام به پدر و بزرگ داشتن وی و اهمیت دعای پدر نزد خداوند بزرگ است.^{۵۴}

سوم. امامت

این موضوع، سهم زیادی از روایات حضرت عبدالعظیم را به خود اختصاص داده است. برخی از روایات ایشان، منزلت و جایگاه امامت را حکایت می کند و برخی دیگر به امامت خاصه، یعنی تصریح به امامت یکایک ائمه می پردازد؛ همچنین مرجعیت علمی ائمه اطهار را نیز در این روایات تبیین کرده اند.

مجموعه روایات حضرت عبدالعظیم (ع) را در این موضوع می توانیم در عناوین زیر گزارش نماییم.

۱. منزلت و جایگاه امامت

امام به عنوان حجت خدا، از ابتدای خلقت در بین بشر بوده است و پس از پیامبر عظیم الشان اسلام، امامی واجب الطاعت از اهل بیت در بین مردم بوده و خواهد بود.^{۵۵} هر آن کس که این منزلت رفیع را نشناسد و امامی را برای خود نشناسد، همچون کسانی که اسلام را درک نکرده اند، خواهد مرد.^{۵۶}

و نیز آن حضرت با واسطه از امام باقر (ع) نقل کرده که تاویل نوری که خداوند پس

۵۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۵۶، ح ۱۱۰.

۵۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۸ و ۲۵۰، ح ۱۰۴.

۵۵. ثواب الاعمال، ص ۲۰۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۰ و ۲۴۲، ح ۹۶.

۵۶. ثواب الاعمال، ص ۲۰۵؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۰، ح ۹۵.



۲۵

از ایمان به خدا و رسولش، ایمان به آن را لازم دانسته^{۵۷}، ائمه هستند؛ چه آنکه نور امام در قلب مؤمن روشنائی ایجاد می کند و قلوب غیرمؤمنان از آن نور بی بهره و تاریک است.^{۵۸}

۲. اسامی ائمه اهل بیت

حضرت عبدالعظیم در حدیث عرض دین پس از الهیت و توحید خداوند و نبوت پیامبر اسلام به شمردن ائمه اهل بیت پرداخته و یکایک ایشان را تا امام هادی (ع) - که امام زمانش بوده - برمی شمارد. امام در آن روایت هم به امامت فرزندشان حسن بن علی عسکری (ع) و فرزند وی امام زمان (ع) و اوصاف ایشان تصریح می کنند.^{۵۹} همچنان که آن حضرت به اسناد جدش با واسطه از امام باقر (ع) نقل کرده که آن حضرت فرزنداناش را گرد آورد و نوشته ای به خط امام علی (ع) و املائی رسول خدا (ص) را به ایشان نشان داد که در آن اسامی دوازده امام و اشاراتی مختصر به حال آنها آمده بود.

حضرت عبدالعظیم، خود پس از نقل این روایت به راوی تأکید می کنند که این سرّ الهی است که باید بر غیر اولیای خدا مخفی بماند.^{۶۰}

بدیهی است که با توجه به آنکه در عصر حضرت عبدالعظیم هنوز برخی از ائمه متولد نشده بودند و به امامت نرسیده بودند، چنین خبری که تصریح به نام ائمه دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و نشانگر اعتمادی است که از سوی ائمه به آن حضرت وجود داشته است.

۵۷. سوره تغابن، آیه ۸.

۵۸. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۲، ح ۷۴.

۵۹. الامالی، صدوق، ص ۴۱۹؛ روضة الواعظین، ص ۳۱؛ کفایة الاثر، ص ۲۸۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۸ و ۲۲۰، ح ۸۳.

۶۰. کمال الدین، باب ۲۸، ح ۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۶۰-۱۶۴، ح ۳۳.



۳. منزلت امام علی امیرالمؤمنین (ع)

روایات حضرت عبدالعظیم به شکل‌های مختلف، حاکی از منزلت و جایگاه بلند امیرالمؤمنین (ع) است؛ گاه به صورت تاویل آیات قرآن، گاه به نقل از رسول خدا (ص)، و گاه به استناد استدلال‌های کلامی در کلام اصحاب ائمه اطهار. اینک گزارش هر یک از این دسته‌های مختلف روایات ایشان در این موضوع را ملاحظه می‌نمایید.

الف. آیات قرآنی

در روایات متعددی، آیات قرآنی همراه با تاویل و بیان معنایی که آن گونه نازل شده، در نقل‌های حضرت عبدالعظیم (ع) آمده است.

در این روایات، در مقام بیان حقیقت و تاویل معانی الفاظ قرآنی مصداق واقعی آیه هم بیان شده و حضرت فرموده‌اند: «آیه این گونه نازل شده است»؛ اما نه آن حضرت و نه هیچ کس دیگری مدعی نیست که الفاظ و اسامی زاید بر قرآن موجود به عنوان وحی قرآنی نازل شده‌اند، بلکه مواردی که لفظی زاید در آیه نقل شده و ادعا شده که آیه این گونه نازل شده، اشاره به وحی بیانی و تبیین معنای آیه دارد. این گونه روایات را نمی‌توان دلیل بر تحریف قرآن گرفت و این اعتقاد با مذهب تشیع سازگار نیست.

از جمله آیاتی که بدین گونه در روایات آن حضرت آمده، این آیات اند:

ولو انهم فعلوا ما یوعظون به - فی علی - لکان خیراً لهم؛ اگر آنها آنچه را -

درباره علی - پند داده شدند را انجام دهند برایشان بهتر است. ^{۶۱}

آیه شریفه:

ان الذین کفروا و ظلموا - آل محمد حقم - لم یکن الله لیغفر لهم و لا لیهدیهم

طریقاً * الا طریق جهنم خالدین فیها ابدأ و کان ذلك علی الله سیراً * یا ایها

۶۱. سوره نساء، آیه ۶۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۰، ح ۸.



الناس قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم - من ولاية علي - فأمنوا خيراً لكم و ان تكفروا - بولاية علي - فان لله ما فى السموات و الارض . ٦٢

و آیه شریفه :

فابى اكثر الناس - بولاية علي - الا كفوراً . ٦٣

و آیه شریفه :

و قل الحق من ربكم - فى ولاية علي - فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا اعتدنا للظالمين - آل محمد - ناراً . ٦٤

و همچنین :

هذا صراطٌ عليّ مستقيم ، كه اصل آیه چنین است ، « هذا صراطٌ عليّ مستقيم » . ٦٥

این آیه از مصادیق اختلاف قرائت نیز هست .

و آیه شریفه :

فبدل الذى ظلموا - آل محمد حقهم - قولاً غير الذى قيل لهم ، فانزلنا على الذين ظلموا - آل محمد حقهم - رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون . ٦٦

گذشته از این تاویلات قرآنی که در متن آیه قرآنی و الفاظ قرآنی ادراج شده است ، در موارد زیادی نیز معصوم (ع) در روایتی ، تاویل آیه را حضرت علی (ع) و ائمه اهل بیت دانسته اند . از جمله در روایتی از امام هادی (ع) - که سند آن به امام حسن مجتبی (ع) می رسد - از پیامبر نقل شده که فرمود :

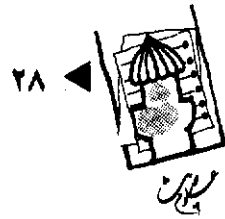
٦٢ . سوره نساء ، آیه ١٦٨ - ١٧٠ ؛ الکافی ، ج ١ ، ص ٤٢٢٤ ؛ مسند عبدالعظیم حسنی ، ص ١٤٢ ، ح ٢٢ .

٦٣ . سوره اسراء ، آیه ٨٩ ؛ الکافی ، ج ١ ، ص ٤٢٢٤ ؛ مسند عبدالعظیم حسنی ، ص ١٤٢ ، ح ٢٣ و ص ٢٤٤ ، ح ٩٩ .

٦٤ . سوره كهف ، آیه ٢٩ ؛ همان .

٦٥ . سوره حجر ، آیه ٤١ ؛ الکافی ، ج ١ ، ص ٤٢٢٤ ؛ مسند عبدالعظیم حسنی ، ص ١٤٢ ، ح ٢٤ .

٦٦ . سوره بقره ، آیه ٥٩ ؛ الکافی ، ج ١ ، ص ٤٢٢٣ ؛ مسند عبدالعظیم حسنی ، ص ١٣٤ ، ح ١٢ .



ابوبکر همچون گوش و عمر همچون چشم و عثمان همچون قلب من است و سپس آن حضرت به استناد آیه شریفه تصریح کردند که گوش و چشم و قلب از ولایت وصی من سؤال خواهند شد و در روز قیامت، ایشان را برای سؤال و مواخذه نگاه خواهند داشت.^{۶۷}

و در روایات دیگر، «طریقه» را در آیه شریفه «وَأَلُو اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا»،^{۶۸} به ولایت علی بن ابی طالب و اوصیای وی تاویل کرده اند.^{۶۹}

ب. حدیث رسول خدا(ص)

حضرت عبدالعظیم با سند از نافع، غلام عایشه جریانی را از گفت و گوی عایشه با پیامبر نقل می کند که غذایی برای آن حضرت آوردند و ایشان مشغول خوردن از آن شدند و در آن حال، از امیرالمؤمنین یاد کردند که کجاست تا با من از این غذا بخورد. پس چون عایشه پرسید مراد شما از امیرالمؤمنین کیست، با سکوت آن حضرت مواجه شد و همچنان بار دیگر این مطلب تکرار شد. در این هنگام، صدای در بلند شد، پس چون عایشه در را گشود، علی بن ابی طالب را بر در دید. پس پیامبر را خیر کرد و آن حضرت به امیرالمؤمنین خوش آمد گفت و دعوت به همراهی در غذا خوردن کرد و آن گاه فرمود: خداوند قاتل تو را بکشد و دشمنت را دشمن بدارد. عایشه از هزیت دشمنان پرسید و پیامبر پاسخ دادند: دستهای آنها با توست و تو به این امر رضایت نخواهی داد و آن را انکار خواهی کرد.^{۷۰}

در این حدیث جایگاه بلند امام علی(ع) نزد حضرت رسول(ص) به نیکی روشن می شود.

همچنین در روایت دیگری از حضرت عبدالعظیم به نقل از امام صادق(ع) چنین

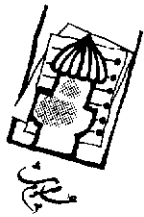
۶۷. معانی الاخبار، ص ۳۸۷؛ عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۸۰؛ مسند عبدالعظیم حسنی،

ص ۱۲۸، ح ۴.

۶۸. سوره جن، آیه ۱۶.

۶۹. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۸ و ۱۴۰، ح ۱۸ و ۱۹.

۷۰. مائة منقبة، ص ۷۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۲ و ۲۴۴، ح ۹۷.



۲۹

آمده که عده ای از قریش ولایت علی بن ابی طالب را نوعی شرك دانستند و به رسول خدا معترض شدند. جبرئیل به شکل سواری بر آن مرد معترض ظاهر شد و گفت: این عهدی است که رسول خدا (ص) بسته و جز کافر یا منافق آن را نمی شکند.^{۷۱}

ج. استدلال های کلامی

از جمله روایات طولانی که حضرت عبدالعظیم نقل کرده، حدیثی در گفتگوی امام سجاد (ع) با ابو خالد کابلی در اثبات اولی الامر بودن امام علی و فرزندانش است.^{۷۲} همچنین حدیثی طولانی در مناظره هشام بن حکم با متکلمان در مجلس هارون الرشید در برتر بودن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را ایشان نقل کرده است.^{۷۳} این روایات استدلالهای مختلفی را با توجه به مخاطبان گوناگون بر اثبات شان و منزلت امیرالمؤمنین (ع) دربردارد.

۴. منزلت اوصیا و ائمه از اهل بیت

پس از امام علی (ع)، یازده نفر از نسل ایشان به امامت رسیدند و منزلت و جایگاه ایشان در تأویلات قرآنی و احادیث رسول خدا (ص) تبیین شده است. حضرت عبدالعظیم بخشی از این روایات را نقل کرده است.

در روایتی مراد از مؤمنون در آیه شریفه، «مؤمنون» معرفی شده که ایشان پس از خدا و رسولش عمل امت را خواهند دید.^{۷۴} و در روایت دیگر از امام صادق (ع) نقل کرده که ما از کسانی هستیم که مورد رحمت الهی و مصداق آیه شریفه «الأم من رحم الله»^{۷۵} هستیم.^{۷۶}

۷۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۳۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۵۲ و ۲۵۴، ح ۱۰۷.

۷۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۱۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۳۴ و ۲۳۶، ح ۹۲.

۷۳. الاختصاص، ص ۹۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۶-۲۳۲، ح ۹۱.

۷۴. سوره توبه، آیه ۱۰۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۲۸، ح ۵.

۷۵. سوره دخان، آیه ۴۱.

۷۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۲۸ و ۱۳۰، ح ۶.



همچنین تاویل «متوسمین» و «سبیل» که در قرآن ذکر شده^{۷۷} و نیز مراد از آیاتی که در «کذبوا بآیاتنا کلهما»^{۷۸} تکذیب شده اند، اوصیا دانسته شده اند.^{۷۹}

گذشته از این آیات قرآنی، رسول خدا(ص) در روایاتی محبت اهل بیت را امری لازم می شمارد. در روایت حضرت عبدالعظیم، از امام هادی و ایشان با سند از پیامبر نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: خدا را برای نعمتهایش دوست بدارید و مرا برای خدا و نزدیکان من را برای رضای من دوست بدارید.^{۸۰}

صلوات بر اهل بیت نیز در روایت امام هادی (ع) از چیزهایی شمرده شده که خداوند دوست داشته، و زیادی صلوات حضرت ابراهیم بر پیامبر و خاندانش موجب دوستی او با خدا شده است.^{۸۱}

از سوی دیگر، دشمنان ایشان پیروان ابلیس^{۸۲} و قاتلان ایشان و فرزندان انبیا، زنازادگان معرفی شده اند.^{۸۳}

۵. مرجعیت علمی اهل بیت

گذشته از عمل حضرت عبدالعظیم در عرضه عقاید دینی اش بر امام هادی (ع) و تأیید آن حضرت - که خود گویای یک درس علمی در لزوم مراجعه در امر دین به اهل بیت است - روایات متعدد نیز از طریق ایشان نقل شده که راه شناخت دین، فرا گرفتن تعالیم دینی از ائمه و ایشان باب علم الهی هستند.^{۸۴}

۷۷. سوره حجر، آیه ۷۵.

۷۸. سوره قمر، آیه ۴۲.

۷۹. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۸ و ۲۰۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۴۰، ح ۲۰ و ۲۱.

۸۰. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۹۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۰ و ۲۱۲، ح ۷۳.

۸۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۴، ح ۷۷.

۸۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۰ و ۱۹۲، ح ۵۹.

۸۳. کامل الزیارات، ص ۱۶۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۶، ح ۵۵.

۸۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۲، ح ۴۸ و کتاب الغیبه، نعمانی،

ص ۱۳۵؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۰، ح ۷۲.



همچنین آیه شریفه «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» نیز به عالمان حافظ حدیث آل محمد - که با امانت داری آنها را به دیگران می‌رسانند - تأویل شده است.^{۸۵} در برخی از احادیث حضرت عبدالعظیم به واسطه از امام صادق (ع) قواعدی در استفاده از حدیث ائمه اطهار بیان شده است. از جمله جواز عمل به احادیث ائمه قبل از امام حاضر و نیز حجیت حدیثی که در زمان امام متأخر صادر شده و ترجیح آن بر روایت ائمه سابق و نیز تکلیف بندگان خداوند و تبلیغ ایشان به حد مقدورات آنها، از این روایات استفاده می‌شود.^{۸۶}

۶. مهدویت

حضرت عبدالعظیم با آنکه از سادات حسنی است و کسانی از این نسل به جهت حسادتهایی، امامت در اولاد امام حسین (ع) را بر نمی‌تاییدند، اما روایات متعدد و جامعی را در موضوع مهدویت و امام مهدی (ع) نقل کرده است. این روایات در موقعیتی صادر شده که هنوز آن حضرت متولد نشده بودند. خود این امر، گواه بر اعتقاد عمیق حضرت عبدالعظیم به مقام شامخ امامت و تبعیت کامل وی از ائمه است، همچنان که در حدیث عرض دین نیز آن حضرت، اعتقاد خود را به امام مهدی و قیام ایشان ابراز داشت و بر آن تأکید ورزید.^{۸۷}

روایات حضرت عبدالعظیم در این موضوع، برخی در معرفی امام مهدی و وعده تولد ایشان است^{۸۸} و برخی درباره وعده به قیام ایشان و خصوصیات آن^{۸۹} و دعوت مردم

۸۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ح ۱۰.

۸۶. مختصر بصائر الدرجات، ص ۹۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۶، ح ۱۰۰ و ۱۰۱.

۸۷. الامالی، صدوق، ص ۴۱۹؛ روضة الواعظین، ص ۳۱؛ کفایة الاثر، ص ۲۸۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۸ و ۲۲۰، ح ۸۳.

۸۸. کتاب الغیبة، نعمانی، ح ۱۸۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۲، ح ۸۵.

۸۹. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۶؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۴۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۵۰ و

۱۵۲، ح ۲۷؛ کمال الدین، ص ۳۰۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۶، ح ۹۰.



به انتظار فرج آن امام است.^{۹۰}

این موضوع در مجموعه روایات حضرت عبدالعظیم از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از این رو جای تحقیق و تدقیق عمیق دارد.

چهارم. تاریخ و زیارات و ادعیه ائمه

آن حضرت با سند از امام صادق(ع) نقل می کند که روزی ام سلمه، همسر پیامبر، از خواب برخاست، در حالی که می گریست. از وی سبب گریه را پرسیدند، گفت: حسین(ع) دیشب کشته شد. من پیامبر را پس از وفاتش در خواب ندیدم، مگر دیشب. او محزون و ناراحت بود. چون سببش را پرسیدم، فرمود: تمام شب برای حسین و اصحابش قبر می کندم.^{۹۱} همچنین، پیش گویی شهادت امام حسین(ع) به وسیله امام علی(ع)^{۹۲} و گریه آسمان بر آن امام مظلوم^{۹۳} از جمله نقلیات تاریخی حضرت عبدالعظیم در حادثه عاشورا است.

گذشته از این نوع روایات - که درباره تاریخ شهادت امام حسین(ع) آن حضرت نقل کرده است -، روایاتی نیز در فضیلت زیارت امام حسین(ع) و ثواب قدم زدن در این راه از امام باقر(ع)^{۹۴} و امام جواد(ع)^{۹۵} نقل کرده است.

۹۰. مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۴، ح ۸۹ و ص ۲۳۲-۲۳۶، ح ۹۲ و ص ۲۳۶، ح ۹۳؛

الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی حیات و مسنده، ص ۱۰۱-۱۰۶.

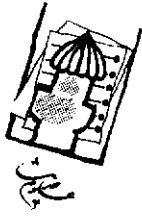
۹۱. الامالی، مفید، ص ۳۱۹؛ الامالی، طوسی، ص ۹۰؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۶ و ۲۴۸، ح ۱۰۲.

۹۲. کامل الزیارات، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۲؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۶، ح ۸۱.

۹۳. کامل الزیارات، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۴، ح ۷۹.

۹۴. کامل الزیارات، ص ۲۵۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۲ و ۲۱۴، ح ۷۶.

۹۵. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۸۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۴، ح ۸۷.



همچنین فضیلت زیارت امام حسین (ع) در شب بیست و سوم ماه رمضان، در روایات حضرت عبدالعظیم دیده می شود.^{۹۶}

نیز فضیلت زیارت حضرت امام رضا (ع) در روایات متعددی از حضرت عبدالعظیم مورد تاکید امام جواد (ع) و امام هادی (ع) قرار گرفته است.^{۹۷} و آنگاه که خود حضرت عبدالعظیم از امام جواد (ع) درباره فضیلت زیارت امام حسین (ع) یا زیارت امام رضا (ع) پرسید، امام در جواب، ضمن تصریح به ثواب هر دو، زیارت امام رضا (ع) را به جهت کمی زائرانش در آن عصر، اولی دانست.^{۹۸} از سوی دیگر، ادعیه و تعویذاتی را حضرت عبدالعظیم از ائمه نقل کرده است؛ از جمله دعای رؤیت هلال شب اول ماه رمضان از امام جواد (ع).^{۹۹}

همچنین تعویذی (دعا نوشته ای که غالباً برای حفظ کودکان از شرور مختلف نگاشته می شود و همراه آنها نگاه داشته می شود) که امام جواد (ع) در طفولیت امام هادی (ع) می نوشته اند و در کنار ایشان می گذارده اند، به صورت کامل از سوی حضرت عبدالعظیم نقل شده است.^{۱۰۰}

پنجم. تفسیر قرآن

در روایات حضرت عبدالعظیم گذشته از تاویل آیات، در مواردی هم نقل قول ائمه اطهار در تفسیر و تبیین معانی الفاظ قرآنی و مفاهیم آیات دیده می شود.

۹۶. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۸۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۴۴، ح ۹۸.
۹۷. الامالی، صدوق، ص ۷۵۲؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۹۱؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۴، ح ۵۳ و ص ۲۱۲، ح ۷۵ و ص ۲۲۰، ح ۸۴.
۹۸. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۸۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۲۴، ح ۸۷.
۹۹. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۴۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۷۲ و ۱۷۰، ح ۳۷.
۱۰۰. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۶۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۶۶ و ۱۶۸، ح ۳۵ و ص ۲۶۰ و ۲۶۲، ح ۱۱۶.



این روایات تفسیری در موضوع خلقت انسان^{۱۰۱} و تفسیر آیات مورد استناد مجبره - که در آن عصر حضور داشتند^{۱۰۲} و تبیین برخی مبهمات قرآنی^{۱۰۳} و تبیین معنای نظر به خداوند در روز قیامت^{۱۰۴} و یا تعیین مراد از برخی الفاظ قرآنی^{۱۰۵}. همچنین آن حضرت، روایتی را با سند متصل از امام علی (ع) نقل کرده که امیرمؤمنان چهار حکمت از کلماتشان را مورد تصدیق قرآن و تطبیق آیات قرآنی دانسته اند که به نوعی تفسیر آن آیات شمرده می شود.^{۱۰۶}

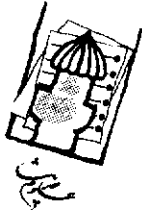
بدیهی است که این روایات نیز باید برای شناخت شیوه تفسیری اهل بیت، مورد بررسی دقیق و تحقیق قرار گیرد.

ششم. احکام شرعی

بخشی از روایات حضرت عبدالعظیم، در موضوع احکام شرع و حکمت برخی از آنها وارد شده است. همچنین فضایل و ثواب برخی اعمال عبادی نیز در این روایات تبیین شده اند.

در موضوع طهارت، حدیث مشهور «لا صلاة الا بطهور» هیچ نمازی بدون طهارت پذیرفته نیست^{۱۰۷} را آن حضرت از امام جواد (ع) نقل کرده است. همچنان که در گفت و گوی حضرت موسی با خداوند، فضیلت وضو هم بیان شده،^{۱۰۸} عدم جواز

-
۱۰۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۰ و ۱۳۲، ح ۹.
 ۱۰۲. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۱۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۴ و ۱۳۸، ح ۱۴.
 ۱۰۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۵۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۸، ح ۱۵.
 ۱۰۴. مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۸، ح ۱۶.
 ۱۰۵. ممانی الاخبار، ص ۱۳۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۵۶ و ۱۵۸، ح ۲۹ و ۳۱ و ص ۲۵۴، ح ۱۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۰۱.
 ۱۰۶. الامالی، طوسی، ص ۴۹۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۵۲، ح ۱۰۶.
 ۱۰۷. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۳۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۶۲، ح ۱۱۸.
 ۱۰۸. الامالی، صدوق، ص ۲۷۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۷۶، ح ۴۰.



تیمم با خاک راه که بر لباس مانده نیز از احکام فقهی در روایات آن حضرت است.^{۱۰۹} در احکام نماز، سؤال حضرت موسی از ثواب کسی که اول وقت نمازش را بخواند،^{۱۱۰} و حکم نماز در مکانی که در آن تصویر وجود دارد^{۱۱۱} در روایت آن حضرت به چشم می خورد.

در احکام روزه نیز حکم مشهور شیعه (ملاک بودن رویت هلال در اثبات ابتدای ماه رمضان و انتهای آن)، و تعبیر مشهور «صم للرؤية و افطر للرؤية»^{۱۱۲} و حکم روز شک در ابتدای ماه رمضان، به روایت حضرت عبدالعظیم از امام رضا (ع) در مصادر روایی وارد شده است.

تارك زکات را در روایت امام صادق (ع) به نقل حضرت عبدالعظیم، همچون مانع زکات دانسته اند، که نوعی کفر در عمل دارد.^{۱۱۳}

بیان فریضه حج و تفسیر استطاعت و تفسیر آیات احکام حج، از جمله مباحث مهم در احادیث فقهی حضرت عبدالعظیم به شمار می رود^{۱۱۴} و نیز آب کشیدن از چاه زمزم و استفاده از آب آن در روایت آن حضرت مورد تأیید و ترغیب قرار گرفته است.^{۱۱۵}

۱۰۹. الکافی، ج ۳، ص ۶۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۸۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۴، ج ۷۸.

۱۱۰. الامالی، صدوق، ص ۲۷۶؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۷۶، ج ۳۹ و ص ۱۷۸، ج ۴۱.

۱۱۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۴، ج ۶۳.

۱۱۲. فضایل الاشهر الثلاثة، صدوق، ص ۶۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۰، ج ۴۷.

۱۱۳. الکافی، ج ۳، ص ۵۶۳؛ ثواب الاعمال، ص ۲۳۶؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۴، ج ۶۴.

۱۱۴. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۹۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۶۰، ج ۱۱۵ و ص ۲۶۲، ج ۱۱۷.

۱۱۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۴، ج ۵۱.



احکام ازدواج، از جمله خطبه اجرای عقد نکاح - که از مستحبات ازدواج شمرده می شود - نیز به نقل آن حضرت از امام هادی (ع) به تفصیل نقل شده است. ^{۱۱۶} همچنان که در احکام جماع و مکروهات آن نیز امام هادی (ع) به نقل از امام رضا (ع) مطالبی فرموده اند که در ضمن این روایات نقل شده است. ^{۱۱۷}

فضیلت زنان حامله و ثواب ایشان نیز به نقل رسول کریم در این روایات نقل شده است. ^{۱۱۸}

آنچه که در بررسی روایات فقهی حضرت عبدالعظیم مشهود است، آنکه ایشان توجه به آیات احکام و تفسیر آن داشته اند؛ از جمله گفت و گوی آن حضرت با امام جواد (ع) در موضوع حیوان ذبح شده و میتة و احکام قرآنی آنها از نمونه های روشن و توجه ایشان به این موضوع است. در روایتی که این گفت و گو نقل شده، امام جواد (ع) به صورتی دقیق و مستند به کلام رسول خدا و آیات قرآنی به تشریح احکام حلیت گوشت حیوانات پرداخته اند. ^{۱۱۹}

و نمونه دیگر، گناه کبیره شمردن قتل نفس با توجه به آیه وارد شده در این موضوع است. ^{۱۲۰} همچنان که حدیث طولانی منقول از امام جواد (ع)، که از جدشان حضرت امام صادق (ع) یکایک گناهان کبیره را به استناد آیات قرآنی در هر موضوع بر شمرده اند، هم نمونه توجه به تفسیر آیات احکام است. ^{۱۲۱} همین موضوع - یعنی شمارش گناهان

۱۱۶. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۶ و ۱۸۸، ح ۵۶.

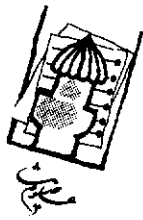
۱۱۷. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۴؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۶۰؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۰۰ و ۲۰۲، ح ۶۸.

۱۱۸. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۰، ح ۵۷.

۱۱۹. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۴۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۸۳؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۲۲ و ۱۲۴، ح ۱.

۱۲۰. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۰، ح ۷.

۱۲۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۸۵؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۵۷؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۱ و ۴۸۰؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۴۴ - ۱۴۸، ح ۲۵ و ص ۱۵۰، ح ۲۶.



کبیره - بدون استناد به آیات قرآنی در روایات دیگری از ایشان نقل شده است.^{۱۲۲} در مجموعه روایاتی که در موضوع احکام فقهی از حضرت عبدالعظیم رسیده است، به خوبی این نکته مشهود است که غالباً به احکامی دقیق و دقت‌هایی در استدلال به احکام برمی‌خوریم و این امر حکایت از جلالت و فقاہت حضرت عبدالعظیم دارد و اینکه ایشان در جایگاه رفیع علمی قرار داشته که می‌توانسته این گونه استدلالها را به دقت دریابد و استفاده نماید.

هفتم. اخلاق

از جمله موضوعاتی که در مجموعه روایات حضرت عبدالعظیم جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده، احادیث اخلاقی و اجتماعی آن حضرت است.

جامع ترین حدیث اخلاقی که آن حضرت نقل کرده، از امام ابوالحسن الرضا(ع)^{۱۲۳} است آن حضرت پیامی اخلاقی برای شیعیان توسط حضرت عبدالعظیم ابلاغ فرمودند که در آن پس از ابلاغ سلام، شیعیان را به نفی سلطه شیطان بر خودشان، امر به صداقت و ادای امانت و ترک مجادله و اختلاف، و زیارت یک دیگر و حفظ آبروی یکدیگر توصیه کرده‌اند و از شرك و اذیت و آزار اولیای خدا به سختی بر حذر داشته‌اند.^{۱۲۴}

فرازهای بلندی از این پیام اخلاقی - اجتماعی در روایت دیگری از امام جواد(ع) به درخواست حضرت عبدالعظیم(ع) به نقل از امیرالمؤمنین آمده است. در آن حدیث شریف، پانزده کلام حکمت آموز - که همگی در حوزه اخلاقی اجتماعی است -، از آن حضرت نقل شده و هر یک از این حکمتها پس از تکرار درخواست حضرت عبدالعظیم

۱۲۲. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۴۲۶ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۵۶ و ۲۵۸، ح ۱۱۲.

۱۲۳. تعیین مراد از امام در این روایت، در فصل دوم این مقاله گذشت. قوت احتمال اشتباه ناسخان و کاتبان حدیث، گواه بر نقل حدیث از ابوالحسن علی بن محمد هادی(ع) شمرده شد.

۱۲۴. الاختصاص، ص ۴۲۴۷ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۲ و ۱۸۴، ح ۵۰.



گذشته از این دو روایت جامع، روایتهایی نیز در یکایک موضوعات فرعی آنها از حضرت عبدالعظیم نقل شده که گزارش آنها به شرح زیر است:

۱. مسئولیت در همنشینی با اشخاص در گفتنها و شنیدن آنها. ۱۲۶
 ۲. منشاشناسی معصیتها^{۱۲۷} و لزوم دوری از آنها و اهل معصیت. ۱۲۸
 ۳. ترك دنیا و مال پرستی^{۱۲۹} در موعظه ای طولانی به نقل از امیرالمؤمنین (ع).
 ۴. مدارا، ملاقات برادران ایمانی و شکرگزاری از بندگان خدا. ۱۳۰
 ۵. ثواب بر اعمال نیک و اخلاق نیک فردی^{۱۳۱}
 ۶. نصایح و مواعظ حکمت آموز در موقعیتهای مناسب. ۱۳۲
- بدیهی است که با توجه به گستردگی و اهمیتی که این موضوع در تعالیم دینی و در حوزه روایات اهل بیت دارد، شرح و بسط آن و دقت در مضامین روایات بسیار بجا و مناسب است و این نوشتار مجال آن را ندارد.

۱۲۵. الامالی، صدوق، ص ۵۳؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۵۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۰۸-۲۰۲، ح ۶۹.

۱۲۶. مسایل علی بن جعفر، ص ۳۴۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۰۵؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۲۶، ح ۳.

۱۲۷. التوحید، ص ۹۶؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۷؛ تحف العقول، ص ۴۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۳۴، ح ۱۳.

۱۲۸. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۲، ح ۶۰؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ح ۲۸۲؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۵۶، ح ۱۱۱.

۱۲۹. الامالی، طوسی، ص ۶۵۲؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۵۲-۱۵۶، ح ۲۸.

۱۳۰. مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۶۸، ح ۳۶ و ص ۲۱۰، ح ۷۱ و ص ۱۸۲، ح ۴۹.

۱۳۱. همان، ص ۱۷۲-۱۸۰، ح ۳۹-۴۶.

۱۳۲. همان، ص ۱۸۴ و ۱۸۶، ح ۵۴ و ص ۲۱۴، ح ۸۰ و ص ۲۳۸ و ۲۴۰، ح ۹۴ و ص ۲۵۸، ح ۱۱۲.



هشتم. زنان

در روایات حضرت عبدالعظیم، گذشته از روایاتی که درباره احکام زنان بود، روایاتی نیز در شان و جایگاه زن و اشاراتی به راه سعادت و شقاوت زنان دیده می شود. در روایتی در شان سیده زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا(س)، نام فاطمه تفسیر شده، که او را به جهت بریده شدن از هر گونه شری چنین نام داده اند. ۱۳۳ و درباره زنان حامله دلسوز و مهربان فرموده اند:

اگر مرتکب گناه نشوند، نمازگزارانشان داخل بهشت می شوند. ۱۳۴

از مهم ترین روایات درباره زنان، روایتی طولانی است که حضرت عبدالعظیم به نقل از امام جواد(ع) و ایشان با ذکر سند از پدران و اجدادشان از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده اند که من و فاطمه بر پیامبر وارد شدیم و ایشان می گریستند، وقتی سبب را پرسیدم، آن حضرت نقل کرد که در معراج، زنانی از امتم را دیدم که عذاب می شدند و به تفصیل، عذابهای مختلف هر دسته از زنان را شرح کردند.

پس حضرت فاطمه پرسیدند، چه اعمالی موجب این عذابها بودند؟ و آن حضرت یکایک گناهمانی را که موجب عذاب آن زنان بود برشمرده که عبارت بودند از:

عدم حجاب در مقابل نامحرم، اذیت شوهر، عدم تمکین از شوهر، خروج از منزل بدون اجازه شوهر، زینت برای مردم، عدم نظافت و عدم غسل و کوچک شمردن نماز، حامله از زنا، زناکار، واسطه زنا، سخن چینی و دروغگویی، نوحه گری و حسادت. و در نهایت، آن حضرت فرمودند:

وای بر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد. ۱۳۵

۱۳۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۸؛ الامالی، صدوق، ص ۶۸۸؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۲۱۸، ح ۸۲.

۱۳۴. الامالی، صدوق، ص ۸۵؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۸۴ و ۱۸۶، ح ۵۴.
۱۳۵. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۹؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ص ۱۹۶-۲۰۰، ح ۶۶.



این حدیث جامع، گویای مهم ترین موانع سعادت زنان است که دوری از آنها موجب سعادت زن خواهد شد. حضرت رسول (ص) در پایان کلامشان مهم ترین رهنمود به زنان را در سعادت اخروی، رضایت شوهران و در شقاوت اخروی نارضایتی ایشان برشمرده اند.

گفتار دوم. انواع احادیث حضرت عبدالعظیم (ع)

روایات آن حضرت می توان را براساس انواع تحمل حدیث ایشان به چند نوع تقسیم کرد.

روایات ایشان نیز مثل بسیاری از روایات شیعی، در موارد نقل از واسطه ها و راویان از لفظ «عن» - که ظهور در نقل سماعی از مروی عنه دارد - استفاده کرده است. اما در مواردی که از معصوم نقل حدیث کرده اند، با لفظ «قال» و «سمعت» نوع تحمل حدیث را مشخص نموده اند. از جمله موارد زیر در روایات حضرت عبدالعظیم به عنوان انواع احادیث ایشان قابل ذکر است.

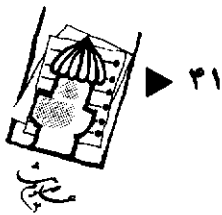
۱. مکاتبه

چنان که در زندگی حضرت عبدالعظیم هم نقل شده، ایشان به جهت ظلم متوکل عباسی مجبور به فرار شدند و از امام دور شدند. لذا ایشان مجبور به نقل احادیث به صورت نامه نگاری با امام شدند. این نامه ها به امام جواد نوشته شده اند. احتمالاً این نامه نگاریها قبل از استقرار ایشان در ری بوده است و پس از آن دوره، به خدمت امام هادی (ع) هم رسیده اند.

این نوع احادیث که به مکاتبه شهرت دارند، در دو موضوع نبوت و رسالت ذی الکفل^{۱۳۶} و علت تعفن غایط^{۱۳۷} نقل شده اند.

۱۳۶. مسند عبدالعظیم حسنی، ح ۳۴ و ۱۱۰.

۱۳۷. همان، ح ۵۲.



۲. مسائل

روایاتی که مضمون آنها در جواب سؤال راوی از سوی امام بیان شده، به مسائل شهرت یافته اند. غالباً این مسائل با اضافه به سؤال کنندگان شناخته می شوند. که گاه این مسائل به صورت کتاب مستقل تدوین می شود که به همین گونه شناخته می شوند. در مواردی نیز حضرت عبدالعظیم از امام جواد(ع) سؤالاتی را مطرح کرده است که غالباً تفصیلی هستند. سؤال از احکام گوشت حیوانات و استناد امام به آیات در جواب^{۱۳۸} و سؤال از معنی آیه شریفه «اولی لك فاولی»^{۱۳۹}، از مصادیق این مسائل است.

در احادیث دیگری از ایشان جریان گفت و گو با امام جواد(ع) نقل شده، از جمله آنکه حضرت عبدالعظیم درباره قائم آل محمد با آن امام گفت و گوهایی دارد.^{۱۴۰} و در گفت و گوی دیگری آن حضرت از امام جواد(ع) حدیثهایی به نقل از اجدادشان طلب کردند که همه احادیث - که با اصرار حضرت عبدالعظیم نقل شده - در موضوع اخلاق اجتماعی است.^{۱۴۱} و گفت و گوی دیگر به افضلیت زیارت امام رضا(ع) از زیارت امام حسین(ع) در آن عصر اختصاص دارد که حضرت عبدالعظیم برای تصمیم خودش سؤال کرد.^{۱۴۲}

نکته قابل توجه در روایات حضرت عبدالعظیم، آنکه در بسیاری از احادیث در نقل از امام هم نسب امام را به صورت کامل بیان کرده و هم در نقل احادیث به واسطه ائمه از اجدادشان نقل حدیث کرده است و این امر نیاز به تحقیق و تحلیل دارد که در این نوشتار مجال آن نیست.

۱۳۸. همان، ح ۱.

۱۳۹. سوره قیامت، آیه ۳۴؛ مسند عبدالعظیم حسنی، ح ۱۵.

۱۴۰. مسند عبدالعظیم حسنی، ح ۲۷ و ۹۳.

۱۴۱. همان، ح ۶۹.

۱۴۲. همان، ح ۸۷.



فصل چهارم. مسانید حضرت عبدالعظیم

یکی از اصیل ترین و علمی ترین شیوه های تالیف در کتابهای احادیث، تالیف مسندهاست.

اصطلاحاً مسند حدیثی است که به سند متصل به پیامبر(ص) برسد و شیعیان اتصال سند به معصوم را کافی می دانند. مجموعه روایات اصحاب پیامبر یا اصحاب هر یک از ائمه به عنوان مسند هر یک از ایشان شناخته می شود.^{۱۲۳}

تالیف احادیث بر اساس شیوه مسندنگاری و جمع آوری روایات متصل هر راوی، فوایدی را در بردارد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. شناخت موقعیت علمی راوی نزد ائمه و مشایخ حدیث؛ چه آنکه خود ائمه فرموده اند: «اعرفوا منازل الناس بقدر روایتهم عننا»^{۱۲۴} یا «اعرفوا منازل الرجال منّا علی قدر روایتهم عننا».^{۱۲۵} همچنین کسانی که در حوزه علمی شیعه مورد توجه مشایخ حدیث قرار گرفته اند، به صورت طبیعی جایگاهی رفیع در بین محدثان خواهند یافت.

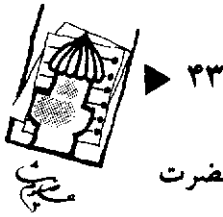
۲. شناخت فضای علمی و ذهنی راوی. بدیهی است که سؤالات و مباحثات و نقلیات راوی تا حدود زیادی تابعی از ضروریات و نیازهای فکری عصر وی است. مجموعه احادیث هر راوی می تواند دغدغه های فکری عصر وی و شخص وی را تا حدودی معین نماید.

۳. نگاه مجموعی و کلی به روایات هر راوی می تواند امکان شناخت دقیق تر اندیشه های راوی را فراهم سازد.

۱۲۳. در بین محدثان اهل سنت در نام گذاری مسند اختلافی وجود دارد؛ چه آنکه برخی از ایشان اتصال سند را شرط در مصداق این اصطلاح دانسته اند و برخی حدیث منقطع را نیز در صورتی که از پیامبر نقل کند در شمار احادیث مسند آورده اند. بدیهی است که الحاق این گونه احادیث - بنا بر مبنای مشهور محدثان - به حدیث مسند با نوعی تسامح همراه است.

۱۲۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۳.

۱۲۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۵، ح ۱.



بر این اساس، از همان دیرزمان، عده‌ای به تألیف مسندهایی از روایات حضرت عبدالعظیم حسنی اقدام کرده‌اند. که تاکنون چهار عنوان کتاب از این نوع شناخته شده است. در ذیل به شرح و معرفی هر یک خواهیم پرداخت.

اول. جامع کتاب اخبار عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی

تألیف محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ابوجعفر، مشهور به شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) نجاشی در کتاب رجالش از این کتاب در ضمن تألیفات شیخ صدوق نام برده و سند خودش را نیز به تمامی کتابهای وی از طریق پدرش نقل کرده است. ۱۴۶ با توجه به وثاقت پدر صدوق - که تنها واسطه بین وی و شیخ صدوق و شاگرد مستقیم صدوق است - انتساب کتاب به صدوق قطعی خواهد بود؛ اگرچه این کتاب به دست ما نرسیده است.

البته لازم به ذکر است که برخی روایات، احیاناً دیده می‌شود که از روایات حضرت عبدالعظیم است و از طریق شیخ صدوق نقل شده و لکن در کتب موجود وی این روایت وجود ندارد و احتمالاً این احادیث از کتاب فوق گرفته شده باشد. شاید بتوان روایت ایمان ابوطالب را که در کتاب الحجة علی الذاهب إلی تکفیر ابي طالب نقل شده، از این نوع روایات برشمرد.

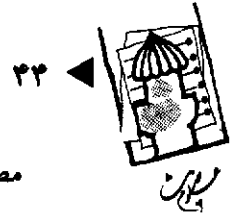
دوم. عبدالعظیم الحسنی حیاة و مسنده یا زندگانی حضرت عبدالعظیم (ع)

تألیف شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی.

این کتاب در پنج مطلب تنظیم شده که به شرح زیر است:

مطلب اول. شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم.

مطلب دوم. آبا و اجداد حضرت عبدالعظیم،



مطلب سوم . اخبار و روایات حضرت عبدالعظیم ،
مطلب چهارم . مشایخ و اساتید حضرت عبدالعظیم ،
مطلب پنجم . راویان و تلامیذ حضرت عبدالعظیم

مجموع روایاتی که در این کتاب از حضرت عبدالعظیم گرد آمده ، بالغ بر ۷۹
حدیث بوده ، که همه آنها به فارسی ترجمه شده است .

شیوه تنظیم روایات در این کتاب ، بر اساس مصادر و منابع حدیثی است . بدین
ترتیب که ابتدا روایات کافی و سپس محاسن برقی و کامل الزیارات و کتب شیخ صدوق
و سپس کتب دیگر آمده است . روایات این کتاب با توجه به مصدر روایات به قرار زیر
است :

- ۱ . کتاب الکافی ، محمد بن یعقوب کلینی ، هفده حدیث ،
- ۲ . المحاسن ، احمد بن محمد بن خالد برقی ، دو حدیث ،
- ۳ . کامل الزیارات ، جعفر بن محمد بن قولویه ، چهار حدیث ،
- ۴ . کتاب من لا یحضره الفقیه ، شیخ صدوق ، سه حدیث ،
- ۵ . کتب صدوق (التوحید ، عیون الاخبار ، معانی الاخبار) ، پنج حدیث ،
- ۶ . الاختصاص ، منسوب به شیخ مفید ، دو حدیث ،
- ۷ . علل الشرائع ، شیخ صدوق ، سیزده حدیث ،
- ۸ . عیون الاخبار ، شیخ صدوق ، دوازده حدیث ،
- ۹ . الامالی ، شیخ طوسی ، شش حدیث ،
- ۱۰ . الامالی ، شیخ صدوق ، پنج حدیث ،
- ۱۱ . کمال الدین ، شیخ صدوق ، پنج حدیث ،
- ۱۲ . کتاب الغیبه ، شیخ نعمانی ، یک حدیث ،
- ۱۳ . بحار الانوار ، محمدباقر مجلسی ، یک حدیث ،
- ۱۴ . مستدرک الوسائل ، محدث نوری ، یک حدیث ،
- ۱۵ . دعوات ، سید بن طاووس ، یک حدیث ،



۱۶. مصباح المتعبد، شیخ طوسی، یک حدیث.

مؤلف در دو مطلب پایانی، براساس روایات گرد آمده، به شرح حال اساتید و مشایخ روایی و نیز شاگردان روایی حضرت عبدالعظیم (ع) پرداخته است. در مجموع ۲۵ نفر از مشایخ و پانزده نفر از شاگردان حضرت عبدالعظیم ترجمه شان ذکر شده است.

چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۴۲ با مقدمه و تقریظ آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیه الله میرزا ابوالحسن شعرانی با فهرستهای مختلف و عکس در ۳۲۰ صفحه منتشر شده است.

سوم. الشریف المعتمد شاه عبدالعظیم الحسنی حیاته و مسنده

تالیف عبدالزهراء عثمان محمد.

این کتاب دارای یک بخش مقدماتی به عنوان «مدخل» است که اطلاعات زندگی حضرت عبدالعظیم حسنی را از مصادر رجالی و روایی و تاریخی نقل کرده است. بخش اصلی کتاب شامل ۱۷۹ حدیث است. مؤلف، احادیث را در ده موضوع کلی سامان داده است. مجموع عناوین موضوعات روایات عبارت اند از:

۱. توحید، ۲. نبوت، ۳. امامت، ۴. قائم آل محمد، ۵. فرایض اسلام، ۶. احکام، ۷. اخلاق، ۸. وصایای ائمه، ۹. تفسیر قرآن، ۱۰. حکمتها.

اما این تنظیم در تمامی روایات کتاب رعایت نشده است. برای نمونه، پس از دو روایت در صفات خداوند، احادیث احکام نقل شده، در حالی که در ترتیب فوق، این نوع احادیث، ششمین عنوان را به خود اختصاص داده است. مؤلف، غالب روایات را از بحارالانوار گرفته و مصدر اصلی حدیث را به عنوان مصدر دوم در نشانی حدیث ذکر کرده است.

در این کتاب، تکرار احادیث به جهت اختلاف مصادر و نیز به جهت تناسب



موضوعی بسیار چشمگیر است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۴۲۲ ق. در بیروت، از سوی دارالهادی در ۱۵۵ صفحه منتشر شده است.

چهارم. مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

تالیف عزیزالله عطاردی - علیرضا هزار

این کتاب در دو بخش «درآمد» در ۱۲۱ صفحه و مسند عبدالعظیم حسنی در ۱۳۲ صفحه، سامان یافته است. نویسندگان در ابتدا بحثهای مقدماتی، معنای مسند، تاریخچه مسندنویسی، تاریخ زندگی حضرت عبدالعظیم، معرفی چهل نفر از مشایخ و راویان حضرت عبدالعظیم را ذکر کرده اند.

و در بخش مسند، روایات منقول از حضرت عبدالعظیم (ع)، بدون هیچ نظم خاصی ذکر شده اند. در مجموع ۱۱۸ حدیث همراه با ترجمه فارسی آنها در این کتاب گرد آمده اند.

مؤلفان کوشیده اند حتی الامکان روایات را از مصادر اصلی حدیث نقل کنند و کمتر از بحارالانوار یا سایر جوامع روایی نقل حدیث کرده اند.

در احادیث این کتاب نیز تکرارهایی به چشم می خورد که غالباً ناشی از ذکر تقطیعات حدیث است؛ برای نمونه، حدیث ۳۹ مسند، گفت و گوی حضرت موسی بن عمران با خداوند را به تفصیل نقل می کند و احادیث ۴۰ تا ۴۶ هم فقراتی از همان گفت و گو را نقل می کند.

برای تسهیل استفاده از مطالب کتاب، فهرست آیات، روایات، اعلام، مصادر، موضوعات کلی احادیث نیز برای کتاب فراهم آمده است.

این کتاب در سال ۱۳۸۲ از سوی کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم (ع) در ۳۱۲ صفحه ضمن منشورات کنگره منتشر می شود.